

مدایح مؤیدیه و فواید آن

مختار کمبلی *

چکیده

مدایح مؤیدیه از شمس المعالی اسحاق بن احمد نیریزی، دست‌نویس نفیسی است که به شماره ۲۶۳۷ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، نگاهداری می‌شود. این اثر که در برگزیده اشعاری است در ستایش طهماسب میرزا مؤیدالدوله، فواید ادبی و تاریخی متعددی دارد؛ از جمله این که حاوی نام و نمونه شعر شاعرانی است که در تذکره‌ها از آن‌ها یاد نشده است. در مدایح، قصایدی از احمد وقار شیرازی و سروش اصفهانی هست که در دیوان‌های چاپی آن‌ها نیامده و در شمار اشعار نویافته این دو شاعر است. فایده دیگر مدایح، کمک آن به تصحیح اشعاری از احمد وقار است که در دیوان چاپی او با لغزش‌هایی ضبط شده است.

کلیدواژه‌ها: مدایح مؤیدیه، شمس المعالی، اشعار نویافته، سروش اصفهانی، تصحیح، وقار شیرازی

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۹

* عضو هیئت علمی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان / mokhtar.komaily@gmail.com

مقدمه

یکی از دست‌نویس‌های ارزشمند فارسی که تا به امروز، به صورت خطی باقی مانده مدایح مؤیدیه است. این کتاب، چنان‌که از نامش بر می‌آید، در برگیرنده مدایحی است که در ستایش میرزا ابوالمظفر مؤیدالدوله گفته شده است. «طهماسب میرزا مؤیدالدوله، پسر دوم محمدعلی میرزا دولت‌شاه، پسر اکبر فتحعلی‌شاه قاجار و داماد عباس میرزا نایب‌السلطنه، و چون گاهی هم شعر می‌گفته، سرور تخلص شعری او بوده است» (بامداد، ۱۳۸۷: ۱۹۵/۲).

مؤیدالدوله دوبار به حکمرانی فارس رسید. وی در سال ۱۲۶۹ق «به‌جای فیروز میرزا نصرت‌الدوله (فرمانفرما) به استانداری فارس برقرار و روانه گردید در ۱۲۷۵ق از حکومت فارس معزول شد» (همان، ۱۹۷).

مؤیدالدوله در ۱۲۷۷ق. برای بار دوم به حکومت فارس رسید و تا ۱۲۸۵ که به سمت پیشکاری ولیعهد (مظفرالدین شاه) به تبریز فرستاده شد، حاکم فارس بود (همو، ۱۹۹). وی در سال ۱۲۹۷ق درگذشت.

نام کاتب و تاریخ کتابت نسخه نفیس مدایح مؤیدیه، که به شماره ۲۶۳۷ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود، دانسته نیست، زیرا این دست‌نویس ۱۱۳ برگه آغاز و انجام ندارد. تاریخ سرایش قصاید ظاهراً بین ۱۲۶۹-۱۲۸۵ق، مقارن سالهای فرمانروایی مؤیدالدوله بر ایالت فارس است. در عنوان یکی از قصاید، اودنیل ۱۲۸۱ و در بیت زیر از قصیده پسر مؤیدالدوله، سال ۱۲۷۱ق، تواریخی هستند که سالهای سرایش دو قصیده را نشان می‌دهند:

هزار و دو صد و هفتاد و یک به ماه ربیع گذشته بود ز تاریخ هجر پیغمبر

در یادداشتی که یکی از فضلالی روزگار ما، در صفحه پیش از شروع نسخه مرقوم کرده، کتاب «تذکره مدایح مؤیدیه» نامیده شده است. احمد گلچین معانی در «تاریخ تذکره‌های فارسی» از مدایح مؤیدیه هیچ یاد نکرده است، ظاهراً بدین دلیل که مدایح مؤیدیه در زمره تذکره‌ها، یعنی کتاب‌های حاوی شرح حال نویسندگان یا شاعران، نیست. همچنین در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ۱۵۱۴/۱) نام کتاب، «تذکره مدایح معتمدیه» ضبط شده که اشتباه است.

مدایح مؤیدیه فواید ادبی و تاریخی درخور توجهی دارد. در یادداشت آغاز نسخه آمده

است: «نسخه دیگر این مؤلفه دیده نشد و علاوه بر فواید تاریخی و ادبی آن، به آثار و نام عده‌ای از شعرا و نویسندگان و گویندگان برمی‌خوریم که در هیچ تذکره و منبعی اثر و اسمشان مذکور نیست». آقا سید نصرالله کاشانی، میرزا محمود کاشانی (کاشی) ملقب به صدر الشعرا، نصرالله‌خان مردشتی [=مرودشتی] اصطخر و ... در شمار گویندگانی‌اند که نگارنده در حیطه جستجوهای خود، در جایی دیگر، به نام و شعر آن‌ها برخورد نکرده است. در جستار حاضر پس از معرفی کوتاه مؤلف مدایح، میرزا اسحاق نی‌ریزی، پاره‌ای از فواید این اثر، ذیل عناوین: اشعار نویافته و صورت کامل پاره‌ای از اشعار در مدایح و فواید تصحیحی، نشان داده می‌شود.

میرزا اسحاق شمس‌المعالی نی‌ریزی

میرزا اسحاق ابن احمد نی‌ریزی، ملقب به شمس‌المعالی و متخلص به «انجمن»، از نویسندگان و شاعران دوره قاجار است. محمدجواد شمس، در مقاله‌ای با عنوان «شمس‌المعالی نی‌ریزی و آثار او»، می‌نویسد شمس‌المعالی «به گواهی معاصران و آثارش علاوه بر آشنایی با فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و ریاضی و نجوم، خوشنویس و ادیبی توانا و شاعری ذواللسانین بوده است» (شمس، ۱۳۸۱: ۱۱۰). علاوه بر منابع مقاله مزبور، نمونه اشعار شمس‌المعالی در تذکره شکرستان پارس نیز آمده است. صاحب تذکره شکرستان پارس، شعاع‌الملک، قصد داشته که شرح حال شمس‌المعالی را ذیل همین لقب بیاورد، اما موفق نشده است، زیرا در تذکره شکرستان، پس از شرح حال و نمونه اشعار شاعری به نام سائل، یک صفحه (گ ۹۷ پ) بیاض مانده و سپس در صفحه بعد (گ ۹۸ ر) اشعاری آمده که بی‌تردید از شمس‌المعالی است. توجه به این نکته که شعاع‌الملک در صفحه بیاض مانده در تذکره شکرستان، قصد نوشتن شرح حال شمس‌المعالی را داشته، باعث می‌شود که اشعار شمس‌المعالی مضبوط در «گ ۹۸ ر» را ادامه اشعار سائل ندانیم و به او نسبت ندهیم.

اشعار نویافته و صورت کامل پاره‌ای از اشعار در مدایح

در مدایح مؤیدیه اشعاری که بدانها اشعار نویافته اطلاق می‌کنیم، دیده می‌شود. این

اشعار در دیوان چاپی گویندگان آن‌ها اصلاً نیامده است. افزون بر این، در مدایح، صورت کامل اشعاری ضبط شده که در تذکره‌ها، تنها دو یا چند بیت از آن‌ها، نقل شده است. گویندگان این دست اشعار یا صاحب دیوان نیستند و یا دیوان آن‌ها درگذر زمان از بین رفته است.

اشعار نویافته احمد وقار

احمد وقار (۱۲۳۲-۱۲۹۸ق)، از شاعران سده سیزدهم است که دیوانش تصحیح و چاپ شده است. در مدایح مؤیدیه، مثنوی‌ای ۲۳ بیتی از این شاعر دیده می‌شود که در دیوان چاپی او و در تذکره‌هایی که شرح زندگی و نمونه شعری از وی نوشته‌اند، نیامده است. عنوان و ابیات نخست این مثنوی چنین است:

من کلام میرزا وقار فی مدح حضرت اشرف الانبیاء محمد مصطفی^(ع)

السلام ای رسول با تمکین	ای تو در بزم قرب صدر نشین
شاه مکی محمد عربی	کارفرمای هر وصی و نبی
هم ز حلق تو طیبه طیب گرفت	هم ز نعلینت عرش زیب گرفت
فیض اول معلّم جبریل	ضارب سیف و صاحب تنزیل

(شمس‌المعالی، گ ۱۸۱)

همچنین قصیده‌ای از این شاعر به مطلع:

تشریف پادشاه مبارک به میر باد جاهش بسی فراشته، قدرش خطیر باد

نقل شده که در دیوان چاپی نیز آمده است؛ اما ضبط مدایح، فایده تاریخی دارد، چه تاریخ و شأن سرایش این قصیده پیش از بیت مطلع، با این عبارات گفته شده است:

«جناب میرزا احمد وقار به تاریخ شهر ذیقعد الحرام، مطابق اودئیل ۱۲۸۱ که سرکار والا مأمور خراسان شدند، این قطعه را به تهنیت گفته‌اند».

به علاوه، در مدایح مؤیدیه، غزلی ۱۳ بیتی از احمد وقار با مطلع زیبای:

رخت بستی و روان شد دل شهری به قفایت بی تو بی دل شده یک شهر که شهری به فدایت

مضبوط است که در دیوان چاپ او تنها ۹ بیت آن آمده و مطلع غزل هم در انتها قرار

گرفته که اشتباه مطبعی است. ابیات مضبوط در مدایح که در دیوان چاپی (وقار شیرازی، ۱۳۸۳: ۸۸۳/۲) نیست، چنین است:

عون طهماسبی از نیمه رخت ماند به غربت	با خدا باش که همراه بود عون خدایت
دور و نزدیک اثر مرحمت میر ندارد	کو به هر حال دهد خاصیت فرّ همایت
اثر حکم قضا بود گرفتاری در ری	هم رضا به، نتوان پنجه چو با حکم قضایت
هیچ غم نبودم ای میر جهان گذران را	جز ز محرومیم از محفل اندوهزدایت

اشعار نویافته شمس الشعرا سروش

در روزگار قاجار، دو شاعر ملقب به شمس الشعرا بوده‌اند: سام میرزا متخلص به «رضوان» و محمدعلی خان سروش اصفهانی. ظاهراً از سام میرزا دیوانی به جای نمانده است، اما اشعاری از وی در تذکرها و مجموعه‌ها مضبوط است. در مجموعه شماره ۲۹۹۲/۶ مجلس شورای اسلامی، قصیده‌ای از سام میرزا نقل شده که پیش از مطلع، چنین آمده است: «نوّاب والا سام میرزای شمس الشعرا خودش اقرار دارد که از قواعد شعر بی بهره است، ولی طبعی موزون دارد؛ این قصیده به زبان طبع مشارالیه است».

در تذکره شایگان (شعری، ۱۳۷۲: ۴۰)، ذیل رضوان، ترجمه سام میرزا و نمونه‌هایی از اشعار وی آمده است. در تذکره انجمن ناصری (مدایح‌نگار، ۱۳۶۳: ۱۶۷) نیز پس از ترجمه سام میرزا هفت قصیده و چند رباعی از وی نقل شده است.

دیوان سروش اصفهانی با مقدمه جلال‌الدین همایی، به اهتمام محمدجعفر محجوب به چاپ رسیده است. به گفته همایی، لقب شمس الشعرا در سال ۱۲۷۰ ق به سروش اعطا شده است.

در مدایح مؤیدیه، قصیده‌ای با این یادداشت: «مقرب الخاقان شمس الشعرا در مدح سرکار اشرف امجد والاحضرت مؤیدالدولة العلیة العالیة، دام اقباله العالی، عرض کرده» مضبوط است که نه در دیوان سروش اصفهانی دیده می‌شود و نه در گنج شایگان و مجموعه ۲۹۹۲/۶ مجلس شورای اسلامی و تذکره انجمن ناصری که متضمن ترجمه و اشعاری از سام میرزا هستند.

می‌دانیم که سروش اصفهانی هزاران بیت سروده که در دیوان چاپی وی نیست، چنان‌که همایی می‌نویسد: «دیوان سروش از آثار ابتدایی و نهایی او، آنچه تا کنون به دست نگارنده افتاده و مدون شده است به استثنای مثنوی‌ها به ۱۳۰۰۰ بیت بالغ نمی‌شود و حال آن‌که صاحب گنج شایگان در سال ۱۲۷۲ق یعنی حدود ۱۳ سال قبل از وفات سروش می‌نویسد: دیوانش کمتر از ۲۰۰۰۰ بیت نیست... و اگر آثار ۱۳ سال آخر عمر او را نیز علاوه کنیم دیوانش به این حساب از ۲۰۰۰۰ هم متجاوز خواهد بود...» (سروش، ۱۳۴۰: ۲۰). همایی در صفحه‌ای دیگر می‌نویسد: «ظنّ متأخّم به علم، بلکه یقین قاطع دارم که باز هم قصایدی از سروش باشد که بنده تا کنون به آن‌ها دست نیافته‌ام. امید که آیندگان در جستجو باشند و آن را تکمیل کنند» (همان، ۲۸).

به نظر نویسنده، قصیده مضبوط در مدایح، از شمس‌الشعرا سروش اصفهانی است نه از شمس‌الشعرا سام‌میرزا، بدین دلیل که در مدایح، صفت مقرب الخاقان برای شمس‌الشعرا آورده شده است و این صفت نمی‌تواند متعلق به شاهزاده سام‌میرزا باشد که در کتب تذکره و غیرتذکره عهد قاجاری، از وی با عنوان «نواب» و «شاهزاده» یاد شده است؛ لقب نواب در روزگار قاجار به شاهزادگان داده می‌شده، چنان‌که در مدایح مؤیدیه، در موارد متعدد، این لقب پیش از شاهزاده مؤیدالدوله آمده است.

چکامه نویافته سروش اصفهانی، ۳۱ بیت دارد و ابیات نخست آن چنین است:

کنون کار کشور پذیرد نظام	بیارامد از نودل خاص و عام
چنان گردد از ایمنی مملکت	که بازش ندانی ز بیت الحرام
سعادت فرو بارد از آسمان	سلامت کند مردمان را سلام
که آمد سوی آذر [آبادگانان	خداوند نیک اختر نیک نام
ملک زاده طهماسب تاج گهر	امیر مؤید امید کرام

این چکامه در سال ۱۲۸۵ (سال درگذشت سروش) سروده شده و در شمار واپسین اشعار اوست. در این سال، مؤیدالدوله، به پیشکار ولیعهد در تبریز گماشته می‌شود. سروش در این قصیده به ولیعهد (مظفرالدین شاه) می‌گوید که تن‌آسان به باغ بزرگی بخرامد، زیرا شاهنشاه (ناصرالدین شاه) امیری باحشمت چون مؤیدالدوله را به پیشکار او گماشته است:

الای ولیعهد شاه جهان تن آسان به باغ بزرگی خرام
سپاس شهنشاه کن روز و شب که دادت امیری بدین احتشام

سروش، چکامه خود را با ستایش ناصرالدین شاه، پایان می دهد:

همان به که این شعر شایسته را کنم بر ثنای ملک اختتام
ملک ناصرالدین شه دادگر که چرخش مطیع است و اختر غلام...
الاتا دمدم سبزه پیروزه گون الاتا بود لاله بیجاده فام
رخش سرخ باد و طربناک دل سرش سبزه و پیرویش بر دوام

صورت کامل اشعار در مدایح

در مدایح، قصاید کاملی هست که در تذکره‌ها تنها چند بیت از آن‌ها ضبط شده است و در جای دیگری جز مدایح، نشانی از صورت کامل آن‌ها نیست. در اینجا به چند قصیده اشاره می‌شود:

قصیده سحاب نی ریزی

شیخ الاسلام سیدنعم متخلص به سحاب از شاعران ناشناخته دوره قاجار است که نگارنده اخیراً دیوان وی را در کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی شناسایی کرده و آهنگ تصحیح و انتشار آن را دارد. در مدایح مؤیدیه قصیده‌ای بلند از سحاب مضبوط است که در دیوان وی نیست، اما به یقین می‌توان گفت از سحاب نی ریزی است؛ به این دلیل که دو بیت از این چامه بلند در مرآت الفصاحه - که صاحب آن، سحاب نی ریزی و دیوان او را دیده - ذیل سحاب فارسی [= نی ریزی] نقل شده و آن دو بیت چنین است:

یادگار جم دگر عرش برین شد تکیه زن بر وی مگر روح الامین شد
ساحت گلشن ز سرو و لاله و گل جنت فردوس و قصر حور عین شد

بر اساس مدایح مؤیدیه (شمس المعالی، ۱۵۲)، کلّ این چامه ۶۵ بیت و در مدح مؤیدالدوله است: «من کلام سحاب فی مدح سرکار نواب قمر رکاب مؤیدالدوله العلیة العالیة».

قصیده ادیب

میرزا ابراهیم ادیب، هم‌چون سحاب، هم شهری شمس‌المعالی است. نخستین تخلص میرزا ابراهیم، «ساکت» بوده که در اواخر عمر آن را به «ادیب» تغییر داده است. ادیب با سحاب مراوده داشته و در دیوان سحاب، مکاتبه منظوم او و سحاب آمده است (نک: سحاب‌نیریزی، ۱۲۴-۱۲۷پ). فرصت‌الدوله شیرازی می‌نویسد: «جناب میرزا ابراهیم ادیبی است فاضل و تحریری کامل» (فرصت‌الدوله، ۱۳۷۷: ۲/۹۰۸). همچنین در تذکره شعرای دارالعلم شیراز (همو، ۱۳۷۵: ۱۷۷) ذیل «ساکت»، با همین صفات از او یاد و قصایدی نقل کرده است.

شعاع‌الملک در تذکره شکرستان ذیل «ساکت» مرقوم کرده که «اشعار عربیه و فارسیه زیاد گفته، غیر مدون است» (شعاع‌الملک، ۱۳۹۲: ۷۹۱) و یک قصیده تازی و هفت قصیده فارسی از او ضبط کرده است. وی در تذکره شعاعیه (همو، ۲۱۵) نیز دو قصیده فارسی از این شاعر نقل کرده است.

در مدایح مؤیدیه یک قصیده بلند به زبان تازی از ادیب مضبوط است که در تذکره‌ها نیست. ابیاتی از این چامه بلند:

عاد الربیع و عید الفرس یا عبدی	فعد الینا بانجاز المواعید
جمشید اسس هذا العید قبل لنا	قم فاسق خمراً لنا فی جام جمشید
اماتری الروض ممطوراً بغادیه	والارض مخضله مخضره العود

(شمس‌المعالی، ۲۱۲)

قصیده صنعت

سه چکامه و یک مسقط از میرزا آقا صنعت، برگ‌های مدایح را زینت بخشیده است. از چکامه صنعت با مطلع:

به عید روزه گل و مل خوش است و بوس و کنار علی‌الخصوص که توأم شود به فصل بهار

که ۳۴ بیت دارد، تنها چهار بیت در تذکره مرآت الفصاحه (داور، ۱۳۷۱: ۳۶۲) با دگرسانی‌هایی در ضبط لغات، آمده که همین چهار بیت در تذکره شعرای دارالعلم شیراز

(فرصت‌الدوله، ۱۳۷۵: ۲۲۳) و در آثار عجم (همو، ۱۳۷۷: ۱۳۷/۲) و سپس در سیمای شاعران فارس در هزار سال (امداد، ۱۳۷۷: ۴۰۷) نقل شده است.

از دیوان صنعت اطلاعی در دست نیست؛ بنابراین قصاید و مسمّط مضبوط در مدایح، می‌تواند غنیمتی برای شناخت بیشتر شعر او باشد. مسمّط صنعت در «ورود موکب همایون سرکار نواب اشرف والا به مملکت فارس» و ظاهراً در سال ۱۲۷۷ق - که مؤیدالدوله برای بار دوم به فرمانروایی فارس منصوب شد - سروده شده است. شاعر در بیت اول لخت سوم مسمّط می‌گوید:

آمد به سوی فارس دگر باره مؤید میری که سزاوار بود سده و مسند
(شمس‌المعالی، ۱۲۵)

قصیده مولوی شیرازی

در مدایح، قصیده‌ای تازی با عنوان «هذه قصيدة للمولوی الشیرازی فی تهنیه ورود النواب... مؤیدالدوله» آمده است. مولوی شیرازی ظاهراً دیوان ندارد و شعری از وی در جایی ضبط نشده است، چنان‌که در ریحانة الادب می‌خوانیم: «سیدعلی اکبر عالم فاضل... شاعر متخلص به مولوی از افاضل اوایل قرن چهاردهم شیراز... در سال ۱۳۰۷ق در تکیه حافظ مدفون است و از اشعار او به دست نیامد» (مدرس، ۱۳۷۴: ۲۹/۶)

ابیاتی از قصیده عربی مولوی:

أبدرٌ بدی فی افق شیراز لامعٌ أم النور من وجه المؤید ساطعٌ
نعم الیلت قبلاً فصار بوجهه نهار به نور الهدی يتساطعٌ
لقد شفت ذاک النور جسم غیاهب کما شفت الظلماء و البدر طالع
(شمس‌المعالی، ص ۱۰)

قصیده قادر بروجردی

اسم وی میرزا حسن و شرح حال مختصر وی با دو قصیده در تذکره حدیقه الشعراء آمده است. در مدایح مؤیدیه قصیده‌ای ۴۳ بیتی از این شاعر با مطلع:

زلف مشکین چون به سر ماه مرا افسر شود آفتاب از شرم او در نیلگون معجر شود
مضبوط است که در حدیقة الشعراء (دیوان بیگی، ۱۳۶۴: ۱۴۱۲) تنها هفت بیت آن نقل شده است. چون ظاهراً دیوانی از قادر بروجردی باقی نمانده، قصیده کامل او در مدایح، برای آشنایی بیشتر با این شاعر، غنیمتی است.

فواید تصحیحی مدایح مؤیدیه

در مدایح اشعاری هست که در دیوان‌های چاپی گویندگان آن‌ها نیز آمده است، اما از مقابلۀ ابیات مدایح و دیوان، می‌توان پی برد که ضبط مدایح صحیح است. برای نمونه، به تصحیح چند بیت از قصاید دیوان چاپی احمد وقار بر اساس ضبط مدایح می‌پردازیم.
۱. رفتی ای قافله‌سالار به جلدی و ندیدی کاین به ره مانده چنان جان دهد از شوق لقایت (وقار شیرازی، ۱۳۸۳: ۲/۸۸۳)

در مدایح، به جای «چنان»، «چسان»، ضبط شده که همین ضبط، صحیح به نظر می‌رسد. به جز این، در مدایح به جای «جلدی»، «تندی» و مصراع دوم به صورت «کاین به جا مانده چسان جان دهد از یاد لقایت» ضبط شده است.
۲. در ره دین بسگالید به بی‌دینان غزو که به هر حمله دو صد عبد و دو صد داه نبرد (همان، ۱/۱۸۶)

ضبط مدایح، به جای «بسگالید»، «نسگالید» است که صورت اخیر درست است. شاعر می‌گوید ممدوح در راه دین به جنگی علیه بی‌دینان نیندیشید، مگر آن که در هر حمله آن دوصد (تعداد زیاد) غلام و کنیزک به اسارت گرفت.
۳. وه که در حلیه دانش قصب السبق شرف کس ز امثال چو این میر فلک جاه نبرد (همانجا)

ضبط مدایح به جای «حلیه»، «حلبه» است به معنی میدان، که با توجه به ترکیب «قصب السبق» باید ضبط درست باشد. حلبه احتمالاً اشتباه چاپی است.
۴. میری که پاس داشت همه اهل فارس را پاس کریم [و] جانب اهل حریم را

ایدون فرو گذاشت چنان جانب مرا کان منعم نظیف طعام و خیم را
(همان، ۵۴/۱)

در مدایح، به جای فارس، «پارس» آمده و در مصراع دوم بیت اول، افزوده مصحح، [و]، را ندارد و ظاهراً صورت صحیح بیت، ضبط مدایح است؛ زیرا ضبط پارس، با پاس در دو مصراع جناس می‌سازد و موسیقی بیت را افزایش می‌دهد. افزوده [و] نیز معنی بیت را ناهموار می‌کند. مصراع دوم این بیت و مصراع دوم بیت بعد، به اصطلاح نحویان، نقش مفعول مطلق نوعی را دارند. شاعر می‌گوید امیر که مردم فارس را گرامی و پاس می‌داشت چون پاس داشتن کریم اهل حریم خود را، امروز جانب مرا فرو گذاشته است، آن سان که منعم نظیف، طعام آلوده را فرو می‌نهد.

۵. چو کبک، گه روان به روی چینه‌ها چو غم‌گه دوان به کوهسارها
(همان، ۷۷/۱)

مصحح محترم دیوان، در پانوشت درباره ضبط «چینه‌ها» نوشته‌اند: «در اصل این واژه شبیه «حه» بدون نقطه نوشته شده، صورت مندرج در متن تصحیح قیاسی است». در مدایح مؤیدیه، این واژه به صورت «خویدها» کتابت شده است که اصیل به نظر می‌رسد.
۶. به جز از نامش، ارباب وفا خاصه «وقار» در مناجات شب و ذکر سحرگاه نبرد
(همان، ۱۸۶/۱)

در مدایح به جای «وفا»، «دعا» آمده که مناسب‌تر است. واژه‌های مناجات، و ذکر سحرگاه، با «دعا» تناسب یا مراعات نظیر دارد. در مدایح به جای «ذکر»، «ورد» آمده است.
۷. در دعا نیست شبی کاین دل سرگشته به چرخ ناله یجمعنا... و ایاه نبرد
(همان)

مصحح در پانوشت نوشته: «در نسخه خطی جای یک یا چند کلمه را سفید گذاشته‌اند، احتمالاً لفظِ الله بوده است». در مدایح در محل سفید، چنان‌که مصحح احتمال داده‌اند، واژه «الله» آمده است و بنابراین احتمال مصحح به یقین تبدیل می‌شود.

۱. معنای بیت چنین است: هیچ شبی نیست که دل سرگشته من این ناله را که «خداوند، ما و او را به هم برساند» به آسمان نرساند؛ یعنی هر شب دعای دل سرگشته من این است که «خدا، ما و او را به هم برساند».

منابع

- امداد، حسن (۱۳۷۷). سیمای شاعران فارس در هزار سال، تهران: انتشارات ما.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۷). شرح حال رجال ایران، تهران: زوار
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.
- داور شیرازی، شیخ محمد مفید (۱۳۷۱). مرآت الفصاحه، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های محمود طاووسی، شیراز: نوید شیراز.
- دیوان‌بیگی، احمد (۱۳۶۴). حدیقه الشعراء، با تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- سحاب نی‌ریزی، سیدنعیم، دیوان، نسخه خطی کتابخانه و مرکز اسناد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سروش اصفهانی، شمس الشعرا محمدعلی (۱۳۴۰ش). دیوان، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: امیرکبیر.
- شعاع‌الملک، محمدحسین، تذکره شکرستان پارس، دست‌نویس شماره ۹۱۵۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- _____ (۱۳۹۲). تذکره شکرستان پارس، مقدمه و تصحیح و تعلیق عبدالرسول فروتن، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۰)، تذکره شعاعیه، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- شعری، میرزا طاهر بن زین العابدین (۱۲۷۲ق). گنج شایگان، تهران: دارالطباعة رضاقلی خان هدایت.
- شمس، محمدجواد (۱۳۸۱). «شمس‌المعالی نی‌ریزی و آثار او»، نامه فرهنگستان، سال ۵، ش ۴، ص ۱۰۹-۱۱۹.
- شمس‌المعالی، میرزا اسحق، مدایح مؤیدیه، نسخه خطی شماره ۲۶۳۷ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷ش). آثار عجم، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۵). تذکره شعرای دارالعلم شیراز، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: دانشگاه شیراز.

- مدایح‌نگار، میرزا ابراهیم خان (۱۳۶۳). تذکره انجمن ناصری به همراه تذکره مجدیّه، با مقدمه ایرج افشار، تهران: انتشارات بابک.
- مدرس، محمدعلی (۱۳۷۴)، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- وقار شیرازی، احمد بن محمد شفیع (۱۳۸۳). دیوان، با مقدمه ماهیار نوابی، تصحیح داریوش کاظمی، کرمان: دانشگاه آزاد اسلامی.



